

دو رساله و دو گزارش درباره

تالش شمالی

میرزا رضا مهندس‌باشی تبریزی

سمید کاظم بیگ

نایب الحکومه اردبیل

میرزا احمدخان تالش

سرحدات تالش و مغان

تذکره سعیدیه

ملاقات با کماندات لنکران

تغییر در سرحدات تالش

به کوشش

حسین احمدی

سرشناسه	: احمدی، حسین
عنوان و نام پدیدآور	: دو رساله و دو گزارش درباره تالش شمالی / به کوشش حسین احمدی
مشخصات نشر	: تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۷
مشخصات ظاهری	: ۲۶۵ ص
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۳۴-۳۳-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: تالش
شناسه افزوده	: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ۳ الف ۷ الف ۷۹-DSR ۲۰۷۹
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۲۳۶
شماره کتاب شناسی	: ۲۲۲۵۶۶۰



مؤسسه مطالعات
تاریخ معاصر ایران

دو رساله و دو گزارش درباره تالش شمالی

سرحدات تالش و مغان میرزا رضا مهندس باشی تبریزی
تذکره سعیدیه سعید کاظم بیگ
ملاقات با کماندات لنگران نایب الحکومه اردبیل
تفسیر در سرحدات تالش میرزا احمدخان تالش
به کوشش: حسین احمدی

ناشر: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
حروفچینی و صفحه آرایی: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
طرح روی جلد: مؤسسه نشر شهر

چاپ اول: ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۳۴-۳۳-۴

تهران، خیابان ولی عصر، خیابان شهید فیاضی (فرشته)، نبش چناران، شماره ۱۵، تلفن: ۸-۰۳۷-۲۲۶۰۴، نمابر: ۲۲۶۰۲۰۹۱
نشانی وب: info@iichs.org پست الکترونیکی: www.iichs.org

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ و استفاده از اسناد و عکسها فقط با منبع و مأخذ مجاز می باشد.

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ نشر شهر نماینده انحصاری توزیع: مؤسسه نشر شهر
نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید گل نبی، خیابان ناطق نوری (زمرد)، شماره ۵۶ بوستان کتاب، واحد ۱۲
تلفن: ۲۲۸۴۳۳۷۸-۲۲۸۵۸۴۳۴ نمابر: ۲۲۸۵۶۱۱۸ مرکز چاپ: ۸۸۴۲۱۹۰۶



فهرست مطالب

۱	پیشگفتار.....
۳	مقدمه.....
۶	رساله اول.....
۱۰	آثار.....
۱۱	سرحدات تالش و مغان.....
۱۵	تذکره سعیدیه.....
۱۷	نگارش کتاب.....
۱۸	نسخه مجلس و باکو.....
۱۹	۱. حذف جملات ضد روسی.....
۲۰	۲. تحریف تاریخی.....
۲۰	۳. دست بردن در نسخه.....
۲۱	۴. عدم دقت در نگارش.....
۲۱	خصوصیات سعید کاظم بیگ.....
۲۴	نکات قابل توجه.....
۲۵	گزارش اول.....
۲۶	گزارش دوم.....
۲۷	رساله سرحدات تالش و مغان.....
۲۹	تصویر صفحه اول رساله سرحدات تالش و مغان.....
۳۱	ناصرالدین شاه.....
۳۲	سفارت یرملوف.....

۴۰	تالش و مغان
۴۲	سفارت گریبایدوف
۴۶	سرحدات تالش
۵۱	مأموریت
۵۶	حضور در تالش
۹۲	تصویر صفحه آخر نسخه سرحدات تالش و مغان
۹۳	تذکره سعیدیه
۹۵	تصویر صفحه اول تذکره سعیدیه
۹۶	تصویر صفحه اول جواهرنامه لنکران
۹۷	متن تذکره سعیدیه
۱۰۱	اما مطلب اول: لنکران
۱۰۱	و اما آنکه در قدیم شهر بوده و یا قصبه
۱۰۶	مطلب دوم: در بیان اسم تالش وجه تسمیه آن
۱۱۰	مطلب سیم: در حدود قدیم تالش
۱۱۳	حدود طولش و تفصیل آن
۱۱۴	اسالم و کرگانرود
۱۱۵	محال و یلکچ
۱۱۹	محال آستارا
۱۲۱	محال جای ایچی لنکران
۱۲۲	محال خانبلی
۱۲۳	محال زُوند
۱۲۴	محال الوف
۱۳۱	محال دریغ
۱۳۱	محال دشتوند
۱۳۲	مغان
۱۳۳	محال اوجارود
۱۳۷	مطلب چهارم: در باب آب و هوا و مکان این ولا
۱۵۵	مطلب پنجم: انفاس مقدسه
۱۶۱	مطلب ششم: در ذکر اسامی چندی از ارباب هنر فتوت و موارد احوال آنها
۱۶۲	قراخان
۱۶۴	میرمصطفی خان
۱۶۸	میرحسن خان

۱۷۵	کارگزاران
۱۷۶	خداویردی بیگ
۱۷۷	الخاص بیگ لنکرانی
۱۷۷	کربلایی شاهویردی
۱۷۹	شفقت ابن بخشی
۱۸۰	آقانام برادگاهی
۱۸۱	قلعه شندان
۱۸۳	آثار قریه ارچوان
۱۸۶	دزده قلعه
۱۸۶	قلعه بله‌بر
۱۸۶	حصار
۱۸۷	قلعه ارکوان
۱۸۷	قلعه همه‌شره
۱۸۸	شهر و قلعه جمجمه
۱۸۸	باجروان
۱۸۸	بیلقان
۲۰۰	خاتمه
۲۰۴	تصویر صفحه آخر تذکره سعیدیه
۲۰۵	تصویر صفحه آخر جواهرنامه لنکران
۲۰۷	روزنامه ملاقات با کماندات لنکران
۲۰۹	تصویر صفحه اول روزنامه ملاقات با کماندات لنکران
۲۱۱	روزنامه
۲۱۶	مذاکرات
۲۲۵	تصویر صفحه آخر گزارش ملاقات با کماندات لنکران
۲۲۷	گزارش تغییر در سرحدات تالش
۲۲۹	تصویر صفحه اول گزارش تغییر در سرحدات تالش
۲۳۱	خدایگانا
۲۴۱	تصویر صفحه آخر گزارش تغییر در سرحدات تالش
۲۴۳	نمایه
۲۴۳	نمایه اشخاص
۲۵۳	نمایه اماکن

پیشگفتار

به دلیل کمبود منابع فارسی هنوز اهمیت و جایگاه تالشان در تاریخ ایران به درستی مشخص نشده است به ویژه بعد از عهدنامه ترکمانچای به دست آوردن اطلاعات درباره تالشان شمالی هنوز بر محور تحقیقات مفصل و تأمل برانگیز روسها دور می‌زند. با همه کارهای گسترده‌ای که روسها درباره تالشان انجام داده‌اند از پردازش به تاریخ تالشان شمالی به صورت جدی و دامنه‌دار خودداری کرده‌اند. پیوند خوردن هویت تالشان شمالی با تاریخ ایران بزرگترین دلیل این کار روسهاست. یکی از مشخصات تاریخ‌نویسی روسی - که در دوره روسیه تزاری شکل گرفت و در دوره استالین مدون شد - مقابله با نفوذ فرهنگی ایران در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی بود. در نتیجه با برنامه‌ای دقیق به حذف یا استحاله هر چیزی پرداختند که به نوعی به فرهنگ و تمدن ایرانی مرتبط بود. در حالی که انتظار می‌رفت که پس از فروپاشی شوروی هویت تاریخ‌نویسی مستقلی شکل گیرد متأسفانه این وارونه‌نویسی تاریخ با شدت بیشتری ادامه پیدا کرد.

بعد از تألیف کتاب تالشان در سال ۱۳۷۸ که در آن از دو اثر کم‌نظیر اخبارنامه تألیف میرزا احمد میرزا خداوردی و جواهرنامه لنکران نوشته سعید کاظم‌بیگ استفاده شد منبعی ارزشمندتر از جواهرنامه لنکران در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران به نام تذکره سعیدیه به دست آمد. پس از مقایسه دو نسخه مشخص شد که جواهرنامه لنکران خلاصه شده از نسخه تذکره سعیدیه می‌باشد که در آذربایجان شوروی کتابت شده است. پس از انتشار کتاب اخبارنامه در اواخر سال ۱۳۸۳ - که به وسیله وزارت خارجه انتشار یافت - تصمیم به چاپ کتاب سومی در موضوع تالش شمالی گرفته شد که این

چهار مجموعه را در بر می‌گیرد:

۱. سرحدات تالش و مغان نوشته میرزا رضا مهندس‌باشی.

۲. تذکره سعیدیه تألیف سعید کاظم‌بیگ.

۳. روزنامه‌چه ملاقات با فرمانده لنکران از نایب‌الحکومه اردبیل.

۴. گزارش تغییر در سرحدات تالش نوشته میرزا احمدخان تالش.

امیدوارم با انتشار این کتاب قدمی کوتاه در راه شناخت بهتر تاریخ تالش شمالی برداشته شود. از همه پژوهشگران انتظار دارد که کاستیهای آن را عالمانه گوشزد فرمایند. ضمن تشکر از زحمات افرادی که در شکل‌گیری این اثر نقش داشته‌اند از آقای دکتر موسی حقانی معاونت پژوهش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران که با دیدی جامع و وسیع و با سعه صدر مثال‌زدنی موجبات شکل‌گیری این تحقیق را فراهم آوردند تشکر می‌شود.

حسین احمدی

مقدمه

تالشان مردمی ایرانی ساکن غرب دریاچه کاسپی یا خزر از لنکران تا به سفیدرود هستند. از جمعیت یک میلیون و پانصد هزار نفره تالشان $\frac{2}{3}$ آن در بخش شمالی در شهرهای لنکران، لریک، ماسالی، یاردیملی، بيله سوار، آستارا، جلیل آباد و توابع آن و تعداد قابل توجهی در شهرهای سومخانی و باکو با حفظ ساختار قومی زندگی می کنند و مابقی آنها در تالش جنوبی در آستارا، هشت پر، اسالم، رضوانشهر، ماسال، شاندرمن، شفت، فومن و اطراف صومعه سرا به سر می برند.

بعد از گذشت صد و هفتاد و نه سال از جدایی تالش شمالی از ایران و با کمترین ارتباط دو بخش شمالی و جنوبی، زبان، فرهنگ، لباس، آداب و رسوم مردم آن بسیار نزدیک به همدیگر است. برخلاف تصور رایج در شهرهای تالش شمالی که دو زیانه هستند در اکثریت قریب به اتفاق روستاها مردم به زبان تالشی تکلم می کنند.

به اصرار و پافشاری پاسکویچ فرمانده جنگهای دوره دوم روس و ایران دولت ایران، به ویژه عباس میرزا نایب السلطنه با همه کوششها نتوانست به حفظ تالش شمالی که در تصرف میرحسن خان تالش بود اقدام کند در نتیجه میرحسن خان تالش که فردی معتقد به مبانی دینی، ضد روس و ایران دوست بود در اثر فشار نیروهای روسی به منطقه تالش جنوبی آمد.

کوششهای چند باره و ناموفق میرحسن خان برای به دست آوردن تالش شمالی با مخالفت روسها، قاجارها و حتی برادران، خواهران و مادرش همراه بود.

به دنبال تقسیم سرزمین تالشان به دو بخش شمالی و جنوبی، مشکلات مرزی در سرحدات دو کشور آن چنان گسترش یافت که گزارشهای قابل توجهی در این خصوص

به تهران فرستاده شد.

ظاهراً روسها علاقمند به اغتشاش در منطقه مرزی بودند تا از آن به عنوان وسیله‌ای جهت پیشبرد پستهای دیده‌بانی خود و تجاوز و تصرف به خاک ایران استفاده کنند. در این خصوص از عبدالحسین خان رئیس طایفه پریم بلو حداکثر استفاده را بردند. روسها با استفاده از راهنماییهای عبدالحسین خان و حرکت ییلاق و قشلاق ایلات و به هم‌ریختگی مرزها و عدم اطلاع سرحداتاران ایرانی از مرزهای دقیق دو کشور، به آرامی قراولخانه‌ها و پستهای دیده‌بانی را از قلل جبال به دامنه و سپس به کنار رودخانه‌ها فرود آوردند.

علاوه بر این مرزداران ایرانی سوادى از عهدنامه نداشتند تا با تکیه بر آن جلوی پیشروی پستهای دیده‌بانی روسها را بگیرند. به گفته میرزا احمدخان تالش ناظم سرحدات، سیف‌الملک فرزند میرکاظم خان تالش قسم یاد کرد که پدرش تا هنگام مرگ، عهدنامه مرزی دو کشور را ندیده بود به همین دلیل از تجاوز روسها اطلاع نداشت.

فضای حاکم بر مرزهای دو کشور در منطقه تالش آن‌چنان بود که کسی جرئت مخالفت درباره تغییر مرزها و تجاوز از جانب روسیه را نداشت، چه روسها با استفاده از نفوذ خود در تهران فوراً فرد مورد نظر را مقصر و مجرم قلمداد و اسباب عزل او را فراهم می‌کردند. در عین حال مأموری هم از جانب دولت ایران در سرحدات تالش حضور نداشت که ضمن تهیه کردن نقشه‌ای، صورت مصالحه‌نامه را به حکام و بزرگان ایران در منطقه داده باشد و اگر هم مهندسانی از جانب دولت ایران به منطقه اعزام می‌شدند ارتباطی خوبی میان آنها و سرحداتاران ایجاد نمی‌شد، به علاوه پس از عهدنامه ترکمانچای تا سال ۱۲۵۰ اق حداقل هشت نفر از جانب دولت ایران حاکم أجارود شدند^۱ و این تعویضهای سریع فرصتی را به روسها جهت تجاوز به خاک ایران می‌داد.

روسها با استفاده از عوامل خود ضمن تهدید و تطمیع بعضی از حکام ایرانی مرزها و در نتیجه مستولی شدن نوعی هراس بر منطقه و با توجه به عدم حمایت دولت ایران از حکام مناطق سرحدی، سرحداتاران ایرانی را به نوعی بی‌تفاوتی سوق می‌دادند. میرزا رضا مهندس‌باشی در هنگام مأموریت خود متوجه این بی‌تفاوتی و کناره‌جویی و عدم

۱. اسامی هشت نفر حاکم أجارود در گزارش میرزا احمدخان تالش شامل افراد ذیل است: ۱. بالاخان اسیرلو

۲. حسینقلی خان شامخانو ۳. علی‌مردان خان ارونقی ۴. کلب حسین‌خان ایشیک آقاسی همدانی ۵.

میرباقرخان تالش ۶. نورالله خان تالش ۷. محمدخان شامسون ۸. میرکاظم خان تالش.

امداد و تقویت خود، از سوی عزیزخان مکرری سردار کل آذربایجان، عضدالدوله حاکم اردبیل، قاسمخان حاکم مشکین، میرزا احمدخان تالش ناظم سرحدات و میرسلطان احمدخان سیفالملک حاکم أجارود و ویلکیچ شد.

این یأس و دلسردی در گزارش میرزا احمدخان تالش ناظم سرحدات - که از دلسوزترین حکام سرحد بود - وجود دارد که توصیه می‌کند تا در مقابل قراولخانه‌های روسیه قراولخانه‌های ایرانی ایجاد نشود یا می‌گوید که هرگونه حرکت برای بازپس‌گیری نقاط متصرفی بی‌فایده است پس باید از آن صرف‌نظر کرد.

در حالی که مهندسین روس فارغ‌البال بعد از تصرف خاک ایران نقاطی را حفر و پراز ذغال و بالایی آن سنگهای بزرگ جمع می‌کردند تا ضمن علامت‌گذاری مأمورین دیگر دولتی روس بدون زحمت همان مکان را مرز بشمارند، به میرزا رضای مهندس‌باشی فشار وارد می‌شد که هرچه سریعتر برنامه‌های خود را تمام کند یا وسایل او و همراهانش را دزد می‌زد، یا پول نمی‌رسید و یا همراهان وی کارشکنی می‌کردند.

به گفته میرزا رضای مهندس‌باشی هنگامی که میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی در اوایل سلطنت محمدشاه مطابق وعده‌های روسها درصدد بازپس‌گیری تالش شمالی برآمد روسها در دوره حاجی میرزا آقاسی با برنامه‌ریزی دقیق ایرانی‌ها را متوجه نقاطی دیگر چون هرات نمودند تا فرصت هرگونه فکر کردن درباره تالش شمالی را از ایرانیان بگیرند.

ظاهراً در حاشیه عهدنامه گلستان بازپس دادن نقاط متصرفی نوشته شده بود و همین مسأله عاملی برای پیگیری بعضی از صاحب‌منصبان دولت ایران محسوب می‌شد. به هر صورت در اثر گره خوردن مجموعه عواملی که در این کتاب به تفصیل آمده است بخشی از خاک تالش ایران برخلاف عهدنامه ترکمانچای به تصرف روسیه درآمد.

رساله اول

سرحدات تالش و مغان فوشته میرزا رضا مهندس‌باشی تبریزی است. میرزا رضا مهندس‌باشی متولد ۱۲۰۳ ق. یکی از پنج نفر محصلی است که در تاریخ نوزدهم آوریل ۱۸۱۹ / جمادی‌الثانی ۱۲۳۰ و در سن بیست و هفت سالگی برای تحصیل در رشته توپخانه و آموختن قلعه‌سازی به همراه کلنل دارسی به انگلستان فرستاده شد. پدر میرزا رضا در دستگاه حکومتی عباس میرزا در تبریز به کار دیوانی مشغول بود.

وی به همراه چهار نفر جزء دومین دسته از محصلین اعزامی به خارج بود:

۱. میرزا سیدجعفر پسر میرزا تقی وزیر تبریز برای تحصیل در مهندسی.
۲. میرزا محمدصالح شیرازی پسر حاجی باقرخان کازرونی برای تحصیل در حکمت طبیعیات و تاریخ.
۳. میرزا جعفر برای فراگیری طب و شیمی.

۴. محمدعلی چخماق‌ساز شاگرد کارخانه اسلحه‌سازی تبریز برای فراگیری فنون آهنگری، کلیدسازی، چخماق‌سازی و غیره.

سبب فرستادن این گروه به علاقه وافر عباس میرزا نایب‌السلطنه و وزیرش میرزا عیسی فراهانی به فراگیری علوم اروپایی توسط جوانان ایرانی و سوءاستفاده کلنل دارسی از این اشتیاق برمی‌گردد. دارسی که خود را فردی صاحب نفوذ در انگلستان معرفی کرد حتی هزینه‌های تحصیل محصلین را از جانب دولت انگلستان تقبل کرد.^۱ به محض رسیدن محصلین به انگلیس، مقامات این کشور بنای ناسازگاری را با آنها

۱. حسین محبوبی اردکانی، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، ج اول، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴)، ص ۱۳۱.

گذاشتند. داری هم بعد از این که نتوانست حمایت دولت انگلستان برای پذیرش این گروه کوچک را جلب کند آنها را به حال خود رها کرد.

میرزا رضا با وجود کارشکنی مقامات انگلیسی در مدت حضور چهار ساله و با تحمل همه مرارتها و سختیها توانست ضمن یادگیری فنون بسیاری در زمینه توپخانه و قلعه سازی، زبان انگلیسی را به نحو مطلوبی بیاموزد به طوری که پس از بازگشت نه تنها مترجم بخشی از نامه های دولتهای خارجی برای دولت ایران بود که حتی توانست بسیاری از کتب خارجی را به فارسی برگرداند.

میرزا رضا در بین دو جنگ اول و دوم روس و ایران در دستگاه نظامی عباس میرزا با عنوان آموزگار تومان سوم شروع به کار کرد^۱ و به فرزند ارشد نایب السلطنه یعنی محمد میرزا درس هندسه و نظام می داد.^۲

با جنگهای دوره دوم روس و ایران و پس از شکست ایران در جنگ گنجه که توپخانه ایران به دلیل عدم اطلاع فرماندهان عراق عجم در میان گل و لای فرو رفت، به حکم فتحعلی شاه، میرزا رضا مهندس باشی برای انتظام امر توپخانه و قورخانه مأمور دارالخلافه شد و تعدادی از اهل حرفه و صاحب منصبان و عمله و اسباب قورخانه و توپخانه دارالسلطنه تبریز برای جنگ با روسیه را با وی همراه کردند. پس از حرکت فتحعلی شاه از تهران، میرزا رضا مهندس باشی در تبریز در رکاب شاه بود. در همین موقع به دستور عباس میرزا نایب السلطنه، میرزا رضا مهندس باشی مأمور به ماندن در تبریز برای روانه کردن مقداری قورخانه و توپخانه به میدان جنگ شد.

بعد از شکست ایران در جنگهای دوره دوم میرزا رضا مهندس باشی در جلسات مذاکره دو طرف در ترکمانچای حضور داشت و از نزدیک مطالب را می دید و می شنید. خوشبینی میرزا رضا به پاسکویچ تا به اندازه ای است که تصور می کند اگر سوانح و حوادث نبود پاسکویچ بسیاری از مناطق را به ایران بازمی گرداند.^۳

میرزا رضا بعد از مرگ فتحعلی شاه به همراه محمدشاه به تهران آمد و در لشکرکشی به هرات محمدشاه را همراهی کرد و در ساختن سنگرها و قلعه های متعدد به همراه مهندسان خارجی چون سیمنوف فرانسوی و ژنرال پروسکی شرکت فعالانه داشت و

۱. جمیل قوزانلو، تاریخ نظامی ایران، ج دوم، (تهران: بی تا، ۱۳۱۵)، ص ۹۶۹.

۲. نگاه کنید به «سرحدات تالش و مغان».

۳. جهت اطلاع بیشتر نگاه کنید به «سرحدات تالش و مغان».

پس از بازگشت به تهران به آموزش قشون ایران مشغول شد.

در دوره ناصری و به دستور میرزا تقی‌خان امیرکبیر در اواخر سال ۱۲۶۶ق میرزا رضای مهندس‌باشی مأمور به تهیه نقشه ساختمان دارالفنون در شمال شرقی میدان ارگ شد. میرزا رضا تهیه نقشه را در سال ۱۲۶۷ق به پایان برد و محمدتقی‌خان معمارباشی، رئیس اداره بنایی دولتی ساختمان‌سازی آن را به عهده گرفت.

نقشه ترسیمی میرزا رضا عبارت بود از یک بنای چهار ضلعی یک طبقه که در هر ضلع آن اتاقهایی به مساحت ۱۶ مترمربع (به طول و عرض چهار متر) و مجموعاً در چهار ضلع پنجاه اتاق پیش‌بینی شده بود. جلوی اتاقها، ایوانهایی وسیع و ستونهای متعددی برپا شده بود که به گچ‌بریها، نقوش و تذهیبات بدیعی آراسته بود. طرح تالار بزرگی در گوشه شمال‌شرقی مدرسه نیز پیش‌بینی شده بود. در وسط حیاط دارالفنون حوض بزرگی ساخته شده بود که فواره آن آب پاک و صافی به حوض می‌ریخت و از جوی بیرون می‌رفت و اطراف آن مرزبندیهای ایجاد کرده و در آن درخت کاشته بودند. این مرزبندیها به خیابانهای کوتاهی که با آجرهای بزرگ معروف به قزاقی مفروش گردیده و از هم جدا شده بود، منتهی می‌گشت.

محمدابراهیم‌خان معمارباشی پسر معمار دارالفنون (محمدتقی‌خان معمارباشی) که دایی کامران میرزا بود در فاصله نوزده سال آخر عمرش (۱۳۰۹-۱۲۹۰ق) که وزیر بنایی بود با برخورداری از حمایت خواهرزاده‌اش با هدف سوءاستفاده مالی تمام ظرافت نقشه‌های میرزا رضای مهندس‌باشی را به هم ریخت و بنای جدیدی که شبیه به کاروانسراهای بین شهری بود ساخت.^۱

در دوره صدارت میرزا تقی‌خان امیرکبیر بعد از دو بار عدم توفیق مهندسان و معماران در تعمیر بند حویزه و شوشتر میرزا رضای مهندس‌باشی مأمور طرح و بنای سد گردید. اولین بار بعد از بستن مجدداً آب سد را در هم شکست. اما میرزا رضا برای بار دوم با توجه به تخصیص صد هزار تومان اعتبار و پانصد کارگر و چهارصد شتر جهت حمل و نقل مصالح از سوی میرزا تقی‌خان شروع به ساختن این سد کرد که بعدها معروف به سد ناصری شد. در اواخر سال ۱۲۶۸ق مقارن با عزل امیرکبیر بنای آن پایان پذیرفت و در نتیجه با ایجاد این سد آب رود کرخه به مجرای اول افتاد و صفحات حویزه

۱. احتشام‌السلطنه، خاطرات، به کوشش محمد مهدی موسوی، (تهران: انتشارات زوار، ۱۳۶۷)، ص ۳۳.

با رونق کشاورزی رو به آبادی گذاشت.^۱

در دوره صدارت میرزا آقاخان نوری نامی از میرزا رضا در منابع نیست. اما در سال ۱۲۷۵ق اسم وی در میان هیئت ممتحنه مدرسه دارالفنون مشاهده می شود. این هیئت که علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه ریاست آن را به عهده داشت شامل فرهاد میرزا معتمدالدوله، میرزا جعفرخان مشیرالدوله، آخوند ملاعلی محمد اصفهانی و جمعی از حکیم‌باشیان ایرانی و فرنگی می شد که یک ماه مشغول اولین امتحان رسمی علوم جدید در ایران بود.^۲

در سال اخیر میرزا رضای مهندس‌باشی یکی از بیست و پنج نفر اعضای مصلحت‌خانه جدید شد که ناصرالدین شاه فرمان تشکیل آن را داده بود. هدف از تأسیس این مصلحت‌خانه گفتگو درباره مسائل مهم مملکتی از جمله آسایش رعیت و آبادی و ترقی کشور بود.^۳

میرزا رضا در سال ۱۲۷۷ق از سوی شاه مأموریت پیدا کرد که درباره سرحدات تالش و مغان تحقیق جامعی به عمل آورد که در صفحات آتی راجع به این گزارش به تفصیل سخن گفته خواهد شد.

میرزا رضا مهندس‌باشی در سال ۱۲۹۸ق با عنوان «مستوفیان حاضر رکاب وزارت دفتر استیفا» از طرف ناصرالدین شاه قاجار به دریافت یک هزار تومان انعام و یک حلقه انگشتری الماس نایل شد.

میرزا رضا مهندس‌باشی در سن ۹۶ سالگی در حالی که بینایی خود را از دست داده بود به جهت قضای حاجت در حال پائین آمدن از بالاخانه به اشتباه در حیاط منزل را از ارتفاع چهار ذرعی باز و در اثر سقوط به حیاط، سرش به شدت زمین خورد و در سال ۱۲۹۹ق در اثر خونریزی مغزی - در حالی که حافظه‌اش همچنان سالم بود - دارفانی را وداع گفت.^۴

پسر وی میرزا عباس خان مهندس‌باشی ضمن تحصیل ریاضی و هندسه در مدرسه

۱. فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۴)، ص ۲۲۸.

۲. مجدالاسلام کرمانی، تاریخ انقلاب مشروطیت، ج اول، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، بی تا)، ص ۱۲۷.

۳. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان ناصری، ج دوم و سوم، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷)، ص ۴۱-۱۳۴.

۴. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶)، ص ۱۴۹.

پولتیک فرانسه، پس از حضور در ایران جزو مهندسین وزارت جنگ شد. چندی هم مسئولیت وزارت احتساب را به عهده گرفت. وی ضمن ارائه طرحی می‌خواست خیابانهای تهران را مثل خیابانهای پاریس بسازد اما به دلیل مخالفت‌هایی گسترده فرصت این کار به وی داده نشد.^۱

آثار

از میرزا رضا مهندس‌باشی آثاری به قرار ذیل باقی مانده است:

۱. پس از جنگ‌های ایران و روس از طرف عباس میرزا به ترجمه کتاب «تاریخ تنزیل و خرابی دولت روم» اثر گیون پرداخت که جلد اول آن در گنجینه نسخ خطی کتابخانه ملی ایران وجود دارد.
۲. ترجمه «تاریخ پترکبیر» از انگلیسی به فارسی که میرزا حسن شوکت اصفهانی آن را تحریر کرده است.
۳. در سال ۱۲۵۲ ق از طرف محمداشاه مأمور ترجمه کتاب «تاریخ ناپلئون اول» شد. این اثر در سال ۱۲۵۳ ق به پایان رسید که نسخ متعددی از آن در کتابخانه ملی و ملک موجود می‌باشد.^۲
۴. در هنگام محاصره هرات به دستور حاجی میرزا آقاسی در اردوی ایران به تألیف کتاب «صواعق النظام» پرداخت که در سال ۱۲۵۴ ق پس از بازنگری مجدد تقدیم محمداشاه شد که سه نسخه از این کتاب در کتابخانه ملی ایران و کتابخانه کاخ گلستان موجود است.^۳
۵. به دستور حاج میرزا آقاسی کتاب هشتاد و نه صفحه‌ای با عنوان «رساله‌ای در فشنگ» ترجمه و تألیف نمود. این کتاب حاوی ده طرح رنگی از صحنه‌های نبرد، تیراندازی با توپخانه و امثالهم است. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه ملی ایران وجود دارد.
۶. یک نسخه از کلیات سعدی را در سال ۱۲۶۳ ق کتابت کرده که در گنجینه نسخ خطی کتابخانه ملی ایران موجود است.

۱. مجدالاسلام کرمانی، ص ۸۶

۲. جمشید کیانفر، اولین مهندس تحصیل کرده اروپا، ساختمان، (س ۱۳۶۸، ش ۱۲)، ص ۴۹.

۳. حسین سعادت نوری، حاج میرزا آقاسی، یقعا، (س ۱۷، ش ۱۲-۱)، ص ۵۲.

۷. یک نسخه خطی به نام «جغرافیای رودبار قصران» تألیف، که محمدعلی تفرشی آن را در سال ۱۲۹۳ق کتابت کرده است.^۱

سرحدات تالش و مغان

کم نظیرترین کتابت او گزارشی درباره «سرحدات تالش و مغان» است. وی در سال ۱۲۷۷ق به دستور ناصرالدین شاه در زمان وزارت خارجه میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک مأموریت پیدا کرد که مخفیانه و بدون غائله و سروصدا و تأکید بر سریع‌تر انجام دادن قضیه به بررسی سرحدات منطقه تالش و مغان - که گفته می‌شد، روسها برخلاف عهدنامه ترکمانچای به جبال، انهار و رودخانه‌های منطقه تجاوز کرده‌اند - بپردازد و با یادداشت برداشتن اثری مکتوب بماند تا هرگاه سهو نسبانی پیش آید از خواندن گزارش، کیفیت حالات بر شاه و اولیای دولت معلوم و آشکار شود.

میرزا رضا مهندس‌یاشی قبل از ورود به بحث اصلی در نسخه و با توجه به مشاهدات خود در یک مقدمه نسبتاً مفصل از مسائل زیر سخن می‌گوید:

- توافق پشت پرده روس و انگلیس درباره ایران در مسائل مختلف.

- سفارت یرملوف و منشیکوف.

- چگونگی آغاز جنگهای دوره دوم روس و ایران.

- فساد دریاریان و عدم همکاری آنها با عباس میرزا.

- ایجاد ذهنیتهای منفی از عباس میرزا در نزد شاه از جمله الفت داشتن عباس میرزا با روسها.

- اشاره به خائنین ایرانی در جنگ روس و ایران و پس از جنگ (بعضی از اسامی این افراد، توسط وی یا دیگران پاک شده است).

- اصرار ولیعهد در عدم تسلیم لنکران.

- اطمینان بیش از اندازه دولتمردان ایران به انگلیسی‌ها و ضربه‌ای که از این اعتماد

بی‌حد و حصر به ایران وارد شد.

- قتل گریبایدوف.

- درگذشت عباس میرزا و فتحعلی‌شاه و به قدرت رسیدن محمدشاه.

۱. اسناد سیاسی ایران و عثمانی، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹)، ص ۹۴.

- ایجاد مسأله هرات با هدف منحرف نمودن افکار اولیای دولت ایران از خیال استرداد تالش و مغان.
- توطئه درباریان برای تأخیر در پرداخت خسارت به روسیه با هدف فشار وارد کردن به عباس میرزا.
- نقش اشرار و مفسدین در غصب لنکران و تالش.
- تمجید از میرزا ابوالقاسم قائم مقام در دوره صدراعظمی برای بازپس‌گیری تالش و مغان.



میرزا رضا مهندس‌باشی پس از معطلی چند ماهه در بهار و تابستان سال ۱۲۷۷ق در قراجه‌داغ، مشکین و اردبیل به سمت نمین رفت که دارالحکومه تالش جنوبی و محال و یلکیج بود. میرزا رضا که در اثر اهمال مسئولان منطقه و ناخوشی وبا در تبریز بهترین اوقات بهار و تابستان را برای بازدید از سرحدات تالش از دست داده بود گرفتار سرما و باد و باران پائیزی منطقه شد.

بزرگترین ضربه در راستای جمع‌آوری اطلاعات به میرزا رضا وقتی وارد شد که به دستور عزیزخان مکرری سردار کل و صاحب اختیار آذربایجان میرسلطان احمدخان سیف‌الملک - فرزند میرکاظم‌خان تالش و نوه میرحسین‌خان تالش - حاکم أجارود و یلکیج، همه کدخدایان و ریش سفیدان که دارای اطلاعات ذیقیمتی از سرحدات منطقه بودند را به همراهی سردار کل مجبور ساخت. در این میانه اصرار میرزا احمدخان تالش ناظم سرحدات که می‌گفت جمیع پیر مردان تالش و مغان باید در سیاحت این حدود همراه میرزا رضا باشند به جایی نرسید.

همراهان میرزا رضا مهندس‌باشی یک مهندس نقشه‌کش جوان به نام محمد میرزا، نصیریگ آدم سیف‌الملک و سه نفر همراه دیگر بودند. میرزا رضا با استفاده از دوربین، قطب‌نما، اسباب نقشه‌کشی و باروبنه از بلده نمین به طرف جبال سرحدات تالش حرکت کرد.

در گزارشهای میرزا رضا معلوم می‌شود که ارباب غرض در هنگام تعیین خطوط سرحدات عمل خلاف قانون مرتکب شده، به تحریک بعضی از سرحدداران و سرحدنشینان، سرحد تالش را در حدود جبال شامخه لنکران منحرف نموده‌اند و از بالای کوههای کوچک و غیرمعروف آن حدود گذرانیده‌اند که در کنار جبال عظیمه

سرحدیه مثل پشته خاک محسوب می شود.

به اعتقاد میرزا رضا مهندس‌باشی کارگزاران دولت ایران که در آن وقت از اجزای مجالس مصالحه بوده‌اند اطلاع از کیفیت حدود تالش و لنکران نداشتند ولی روسها قبلاً با بررسی تمام کوههای کوچک و بزرگ، رودخانه‌ها و عوارض منطقه، با اطلاع جامع و کامل در مجلس مصالحه حاضر شده و حدود سرحدی را مشخص کردند.

در سرحد تالش و لنکران از کنار رودخانه آستارا تا جبال کلپوتی و سپس به جبال اوقری داش که انتهای جبال کلپوتی است مشکلی وجود نداشت. اما پس از کوه اوقری داش حدود تالش و لنکران را تا به قراولخانه شیرین سو که محل تلاقی دو رودخانه کوچک آدینه بازار و ساری قمش است، مشکلات بسیاری دیده می شد.

در محاذی اوقری داش که پهلوی شرق و شمال تنگه زُوند است، کوه آیدین، که ابتدای سلسله جبال چچلکو می باشد قرار دارد. مابین دو کوه اوقری داش و آیدین را تنگه زُوند می گویند و کلاً آبهای این طرف رشته کوه باعث تشکیل رودخانه زُوند را می دهند که از میان تنگه مزبور و به محال دریغ و لنکران می گذرد و سپس وارد دریاچه خزر می شود.

در قرارداد مصالحه آمده بود که وقتی سرحد به جبال اوقری داش رسید از آن جا بگذرد به جبال آیدین که محاذی جبال اوقری داش و آن طرف تنگه زُوند و ابتدای چچلکو بود و از آن جا با قتل جبال مزبوره برسد به جبال کمورقویی که جزء چچلکو است. برخلاف قرارداد مصالحه خط سرحد را از آخر جبال کلپوتی و از پهلوی تنگه زُوند برگردانیده و از قتل سلسله جبال لنکران منحرف نموده و از بالای کوههای کوچک، دره و ماهورهای اطراف خط زُوند امتداد داده‌اند که کلاً محل مرتفع و بیلاقات ایلات و عشایر و یلکیچ و خطه زُوند بوده‌اند. خط سرحد را از بالای این کوهها کشیده و در اطراف زُوند گردش داده در اواسط جبال چچلکو به کمورقویی متصل کرده‌اند و جمیع دهات خطه زُوند هر چه در دو طرف خطه زُوند بوده و هر چه در دامنه‌های اواخر کلپوتی و هر چه در دامنه‌های اوایل چچلکو واقع شده‌اند و آن چه همه در این طرف جبال عظیمه آن حدود است را، روسها برخلاف عهدنامه داخل متصرفات خود نموده‌اند.

روسها برای تصرف جلگه وسیع دمان با راهنماییهای عبدالحسین خان رئیس طایفه پریم‌بلو ابتدا محال ارشق را جزو تالش اعلام داشتند و سپس به این بهانه که جلگه دمان

چون جزو محال ارضی است، از ایران جدا کردند.

میرزا رضا مهندس باشی می نویسد که قرار نبود بلاد وسیع ژوند، جلگه دمان و بیلاغات آلا ره کوه که در این طرف جبال عظیمه لنکران قرار دارند به روسیه منتقل شوند و در صورتی که سرحدات تالش براساس عهدنامه ترکمانچای مجدداً مورد بررسی قرار گیرد حداقل یک ثلث از محال ژوند به ایران تعلق خواهد گرفت.

روسها اطلاع داشتند که سرحداتاران ایرانی به دلیل در اختیار نداشتن نسخه‌ای از حدود سرحدی نمی دانند که مرز دقیق دو کشور کجاست. به علاوه مأمورینی هم از سوی دولت ایران در منطقه حضور نداشت در نتیجه روسها با استفاده از فرصت، پستها و قراولخانه‌های خود را از قتل جبال و سرحدات به کنار رودخانه‌ها و نقاط پست فرود آورده و برپا کردند. سرحداتاران ایران هم تصور می کردند هر جا روسها قراولخانه و پست دیده بانی می سازند همانجا سرحدی است که به موجب عهدنامه ترکمانچای به روسیه منتقل شده است.

میرزا رضا مهندس باشی با کمترین امکانات با زدن چادر و آلاچیق در بالای کوهها، هر روز سواره جمیع کوه و کتل و امتداد خط سرحد را از جبل کمورقویی تا حدود کلپوتی را دقیقاً بررسی نمود تا حدود ارضی را مشخص نماید. اما در این راه غیر از عوامل طبیعی نظیر سرما، باد و باران، بزرگترین مشکلات وی عدم همراهی همراهان و حتی مسئولان منطقه‌ای بود.

میرزا رضا کراراً در گزارش از سنگ اندازی، کارشکنی و سهل انگاری بعضی از مقامات ایرانی که در مجالس مصالحه بوده اند شکایت دارد و تلویحاً بخشی از این تجاوز و تصرف خاک ایران را به آنها مربوط می داند. احتمالاً این گروه بعد از مراجعت میرزا رضا مهندس باشی به تهران از طریق یکی از نوکران میرزا رضا سعی در به دست آوردن جعبه وسایل وی - که یادداشت‌های روزانه اش در آن بودند - کردند.



رساله سرحدات تالش و مغان با مشخصه ۱-۱۰-۹-۲۷۷۱ق در مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه نگه داری می شود. جلد کاهی و صحافی شده این رساله ۲۲×۱۵ سانتی متری به رنگ بنفش که طرف دوم جلد پاره شده است.

سفید ماندن چهار صفحه آخر این رساله هفتاد و هفت صفحه‌ای حکایت از صحافی شدن رساله قبل از تحریر میرزا رضا دارد. این کتابچه با خط نستعلیق بسیار خوب توسط

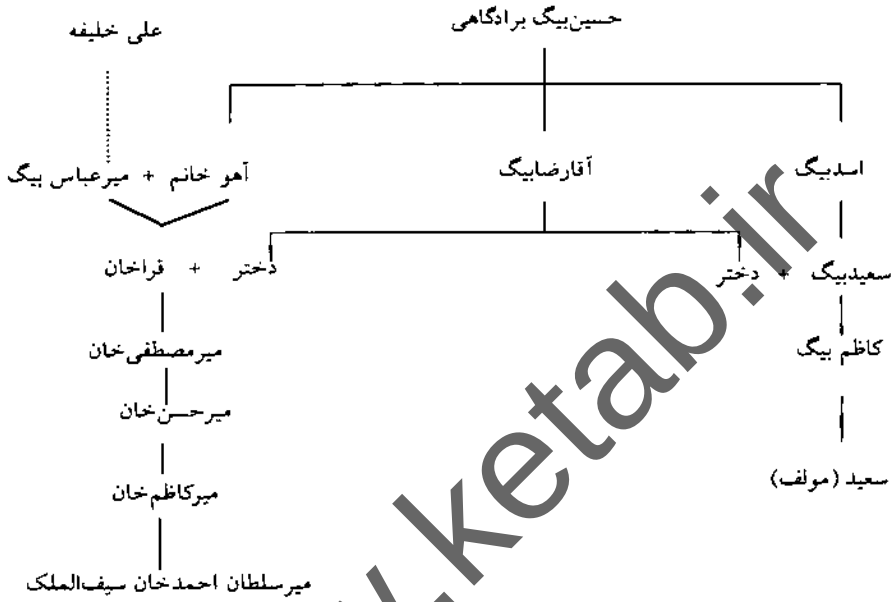
میرزا رضا نوشته شده که تا صفحه پنجاه و شش با پانزده و گاهی با شانزده خط و از صفحه پنجاه و شش تا هفتاد و یک با خط نستعلیق ریزتر با هفده خط در هر صفحه ادامه یافته است.

شماره‌گان عدد صفحات توسط خود نویسنده نوشته شده است ولی بین صفحات اول و دوم دو صفحه حاشیه وجود دارد. نوع نوشتن حواشی می‌رساند که میرزا رضا پس از فاصله زمانی مشخصی ضمن مطالعه مجدد به اضافه نمودن حواشی - که در صفحات دیگر نیز کراراً دیده می‌شود - اقدام نموده است.

ظاهراً مهتدس‌باشی قصد داشت خطوط یا صفحاتی را به صفحه آخر رساله اضافه کند ولی به دلایل نامشخص از این کار خودداری و آن را ناتمام رها کرده است.

تذکره سعیدیه

کتابی درباره تاریخ، جغرافیا و جامعه‌شناسی تالش شمالی و جنوبی می‌باشد که درباره بسیاری از نقاط همچون لنکران، آستارا، اسالم کرگانرود، ویلکچ، زرون، دروغ، آجارو، دشتوند اولوف، مغان و بالارود به تفصیل صحبت شده است. گرچه عمده مطالب وی درباره تالشان است ولی صرفاً به منطقه تالش اکتفا نکرده بلکه اطلاعات گسترده‌ای از خارج سرزمین تالشان می‌دهد. مؤلف خود را «سعید بن کاظم بیگ برادگاهی‌الاصل لنکرانی المسکن» معرفی می‌کند. مطابق نوشته‌های مؤلف میرعباس‌بیگ که جد بزرگ وی علی خلیفه در تقابل با عثمانیان کشته شده بود در سنین جوانی طالب و صلت با اسدبیگ ابن حسین بیگ برادگاهی مالک قریه خارختان کشته و اسدبیگ - جد دوم پدر مؤلف - خواهر خود آهوخانم را به عقد وی درآورد. از این ازدواج قراخان پدر میرمصطفی خان تالش متولد شد. قراخان خواستار ازدواج با اقربای مادری خود یعنی دختر آقارضا برادگاهی شد که دختر دیگر وی همسر سعیدبیگ جداول مؤلف بود.



سعید کاظم‌بیگ از زندگینامه خود اطلاعات اندکی به دست داده است. از نوشتار وی معلوم می‌شود که در سال ۱۲۳۹ق در نزد معلمی به نام ملا آقا سالیانی تحصیل می‌کرده است. چند سال بعد در ۷-۱۲۴۵ق در هنگام قحطی آب در لنکران از طرف دولت روسیه مأمور نظارت بر مزارع بود. از تأکید سعید کاظم‌بیگ بر کمک گرفتن از ریش سفیدان برای حل معضل کم‌آبی می‌توان چنین نتیجه گرفت که در سالهای فوق وی جوان یا حداکثر فردی میان‌سالی بوده است. اگر حداقل سن وی در آن وقت را ۲۵ سال در نظر بگیریم سعید ابن کاظم‌بیگ باید در سال ۱۲۲۰ق در سالهای آغازین جنگهای دوره اول روس و ایران و یا قبل از آن متولد شده باشد. سعید کاظم‌بیگ بدون ذکر سال خود را معلم دبستان شاهی لنکران معرفی می‌کند که مطلب فوق حکایت از تحصیلات بالای وی دارد. وی در سال ۱۲۶۰ق به وسیله کشتی بادبانی به حاجی طرخان مسافرت کرده است.

با توجه به اطلاعات فوق به نظر می‌رسد سعید کاظم‌بیگ باید زودتر از میرزا احمد میرزا خداوری مؤلف اخبارنامه^۱ متولد شده باشد. نظر به این که سعید کاظم‌بیگ دو بار در کتابش سال ۱۲۸۹ق را ذکر کرده^۲ پس حداقل تا ۷۰ سالگی در قید حیات بوده باشد ضمن این که شاید بتوان سالهای بیشتری را به عمر مؤلف افزود. با توجه به این که سعید کاظم‌بیگ و میرزا احمد میرزا خداوردی در یک دوره زمانی در شهر لنکران می‌زیستند اما هیچ یک از مؤلفین اشاره به اثر طرف مقابل ندارد. نظر به این که نوشتن تذکره سعیدیه ده سال زودتر از اخبارنامه پایان یافته این انتظار بیشتر از سوی مؤلف اخبارنامه می‌رفت.

نگارش کتاب

سعید ابن کاظم‌بیگ می‌نویسد که «ممالک گرجستان در سال هزار و هشتصد یک مسیحی‌الی حال شصت هشت سال گذشته به تحت تصرف دولت علیه روسیه درآمده است»^۳. مطلب فوق حکایت از سال ۱۸۶۹م می‌کند. نویسنده دو بار در متن کتاب به سال ۱۲۸۶ق اشاره می‌کند بار اول می‌نویسد: «الی

۱. میرزا احمد میرزا خداوردی، اخبارنامه، به کوشش حسین احمدی، (تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی،

۲. ن.م، ص ۱۶۹ و ۹۳. ۳. ن.م، ص ۶۳.

(۱۳۸۳).

زماننا هذه سنة ۱۲۸۶^۱ و بار دوم «آلان غره ماه شوال ۱۲۸۶»^۲. با توجه به برابری سال ۱۲۸۶ قی با سال ۱۸۶۹ م، سال شروع نوشتن کتاب تذکره سعیدیه را می‌توان در همین سال دانست.

سعید کاظم‌بیگ در آخرین پاراگراف نسخه روز، ماه و سال اتمام نوشتن کتاب را در روز چهارشنبه هجدهم ماه ربیع‌الاول ۱۲۸۷ می‌نویسد یعنی چیزی در حدود یک سال، اما دو بار در لابلای نسخه نیز آمده است «اکنون سال ۱۲۸۹ است» و مرتبه دوم در حاشیه صفحه ۱۶۹ نسخه مجلس فردی به نام صالح نوشته است: «در سلخ صفر ۱۲۸۹ شروع به پایان بردن کتاب کرد تا مرگ وی ناتمام ماندن کارها نشود». نکته اخیر نشان از کهولت سن و یا وضعیت نامساعد فیزیکی سعید کاظم‌بیگ و در عین حال تجدیدنظر و تکمیل کتاب در فاصله اواسط سالهای ۱۲۸۷ تا اوایل سال ۱۲۸۹ چیزی در حدود یک سال یا کمی بیشتر از آن را می‌دهد.

با این اوصاف نوشتن کتاب تذکره سعیدیه حداقل یک سال یا کمی بیشتر از آن در فاصله سالهای ۱۲۸۶ ق تا ۱۲۸۷ ق به طول انجامیده و تکمیل کتاب نیز در سالهای ۱۲۸۷ ق تا ۱۲۸۹ ق کمی بیشتر از یک سال صورت گرفته است. پس می‌توان نوشتن کتاب تذکره سعیدیه را بین دو تا سه سال دانست.

نسخه مجلس و باکو

از این کتاب حداقل دو نسخه با تفاوت‌های قابل توجه وجود دارد:

نسخه اول با نام «جواهرنامه لنکران» به شماره B-3049 در ۹۲ صفحه در انستیتو نسخ خطی محمد فضولی باکو نگه‌داری می‌شود که کپی از این نسخه را در ضمن یکی از مسافرتها از باکو به ایران آوردم. نسخه دوم با عنوان «تذکره سعیدیه» به شماره ثبت ۱۶۷۰۵ در قفسه ۷۸۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد. این نسخه در ۱۸۰ صفحه با خط نستعلیق متوسط و خوش‌خط و خوانا نوشته شده است. این نسخه با نامهای «تاریخ لنکران» و «تاریخ میرحسن خان» نیز شناخته می‌شود.

نسخه اول که از آن به عنوان نسخه باکو با علامت مخفف «ن.ب» در زیرنویس‌ها ذکر خواهد شد از روی نسخه اصلی که همان نسخه مجلس شورای اسلامی که با علامت

مخفف «ن.م» در پانوشتها خواهد آمد یا نسخه دیگری خلاصه شده است. با توجه به گستردگی و دقیق بودن، در تصحیح نسخه مجلس اصل قرار گرفت و از نسخه باکو برای مقابله استفاده شد.

به دلیل حساسیتهای روسها نسبت به نوشته‌هایی که ایران‌گرانی در آن وجود داشت و با توجه به انشاء متفاوت نسخه باکو به نظر می‌رسد که کتاب تذکره سعیدیه در اختیار چند کاتب قرار گرفته تا مطالبی را که قالب ایرانی، مذهبی و ضد روسی دارد به نوعی حذف و سپس مجموعه مطالب خلاصه شده، توسط کاتبی رونویسی کرده است به همین دلیل نسخه باکو به کمتر از نصف تقلیل یافته است. این تغییرات صورت گرفته در نسخه باکو را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

۱. حذف جملات ضد روسی

که به تعدادی از آن بسنده می‌شود:

* «تحمیل مالیات به مردم لنکران برای درآمد خزانه، هر خانواده سه منات کلاً ۲۴۹۹ منات و مالیاتهای گوناگون دیگر پس از تصرف منطقه توسط روسیه»^۱

* «میرحسن خان که تخلف و تنفر از دولت روسیه کرده...»^۲

* «رعایا از این جهت رنجش و نارضایی از حاکمان دولت (روسیه) حاصل است»^۳

* «دولت مردان روسی به لنکران توجهی ندارند... هرگاه امنای دولت بهیچ یک گوشه خاطر خطیر رجوع به تعمیر این ولا فرمایند در حقیقت لنکران تاج همه شهرها می‌شود»^۴

* «در این ایام به خلاف قرار مقرر سلف در حق ایشان [تالشان] رفتار می‌شود و خرج تحمیل دیوانی از آنها مأخوذ می‌گردد»^۵

سعید بن کاظم بیگ در ضمن صراحت، ترس خود را از گفتن بعضی از حقایق کتمان نمی‌کند، مواردی که در نسخه باکو دیده نمی‌شود:

* روسها بعد از تصرف منطقه تالش عمارات عالی و مساجد معتبره و حمامات و غیره را خراب کردند... تاکنون که چهل و پنج سال می‌گذرد هنوز جبران نقصانش به ظهور نپیوسته... زبان خامه‌پرداز از تحریر تفصیل آن احتراز لازم را دانسته زیاده اطناب نرفت»^۶

* «بزرگان دولت روسیه به سبب اشتباه و معاذیر ناموجه و تباه بعضی آن محال را جدا و

۳. ن.م، ص ۴۱

۶. ص ۱۰

۲. ن.م، ص ۲۹

۵. ن.م، ص ۱۰۰

۱. ن.م، ص ۱۲

۴. ن.م، ص ۶۴

استثنا داشته‌اند و در این مقام مقاله‌ای است که خامه‌پرداز از بیانش احتراز لازم را دارد.^۱

«حاکم روسی نظر به مصلحتی که منظور داشت که ابراز آن در کتاب احتراز لازم دارد».^۲

۲. تحریف تاریخی

سعید بن کاظم‌بیگ نگرانی خود را از تحریف تاریخی به ویژه جای نامه‌های فارسی و عوض کردن وجه تسمیه آنها ابراز می‌کند. او می‌نویسد:

اگر مایه خوربخو و وجه تسمیه آن از روی تحقیق فصلی نوشته نشود بعضی از وقایع نگاران روس که فی‌الجمله سوادى از مسلمانی دارند درباره این مسئله مطلب غیرواقعی در روزنامه نوشته و بزرگان دولت آن را می‌خوانند و تحت تأثیر قرار می‌گیرند.^۳

۳. دست بردن در نسخه

الف. تغییر واژگان فارسی: همان‌طوری که در پیشگفتار اشاره شد روسها برنامه گسترده‌ای را با هدف دور ساختن مردم منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از فرهنگ ایرانی آغاز کردند. تغییر جای نامهای فارسی هم یکی از این اقدامات بود که در آن صورت ریشه‌یابی وجه تسمیه جای نامها ناممکن و به ایران مرتبط نمی‌شد که به چند نمونه بسنده می‌شود:

❖ باکو: در دوره باستان «بغوان» نامیده می‌شد «بغ» در پارسی باستان یعنی خدا. به دلیل باد تندی که این شهر را می‌کوبید و هنوز هم در فصل پائیز به شدت می‌وزد در منابع دوره صفویه و پس از آن از این شهر با عنوان باد + کوبه یاد شده است ولی در دوره شوروی این شهر به «باکی» تغییر نام یافت.

❖ آب شوران: شبه‌جزیره‌ای در داخل دریای کاسپی یا خزر که امواج بزرگ آب این شبه‌جزیره را شستشو می‌دهد یا آب آن شور است ولی در راستای همان سیاست آبشرون^۴ نام نهاده شد.

۱. ن.م. ص ۳۹.

۲. ن.م. ص ۱۲۷.

۳. ن.م. ص ۱۶۱؛ مؤلف صفحات ۱۶۳ و ۱۶۲ نسخه را برای نوشتن وجه تسمیه خوربخو خالی گذاشته ولی به دلایل نامعلوم چیزی به آن اضافه نکرده است.

با نگاهی به واژه‌گان ذیل به گسترده‌گی این تغییرات بیشتر می‌توان پی برد:

شیروان به شیروان، دستگاه به دزگاه، شاپوران به شایران، ارس به آراز، آلوچه به آلچه، شمکور به شامخور، سرای به سارای، کاسه به کاسا، باغچه به باغچا، قراباغ به قاراباغ، شوشی به شوشا.^۱

در جواهرنامه لنکران این تغییرات به آرامی صورت گرفته است: مغان به موغان، استخر به اصطخر، و زوند به زووند.

ب: کم و زیاد کردن مطالب: کاتب نسخه باکو بعضی جملات را به نوعی تغییر داده یا اضافه کرده است: «تنکاین من اعمال دیلمان» را به «تنکاین گیلان» تبدیل کرده است. در حالی که محدوده دیلم با گیلان یکی نیست و بخشی از گیلان در سرزمین دیلمان قرار داشته است. همچنین هنگام نوشتن نام مقامات روسی پسوند یا پیشوندی را به آنها اضافه کرده است مثلاً «ایمپراطور روسیه» را به «اعلیحضرت ایمپراطور روسیه» تغییر داده است. کاتب نسخه باکو حتی در اسم مؤلف هم دست برده و او را «سعیدعلی ابن کاظم بیگ» نوشته است.

۴. عدم دقت در نگارش

کاتب نسخه جواهرنامه لنکران اشتباهات عدیده نگارشی انجام داده است. سال ورود شاه اسماعیل اول به ارجوان آستارای شمالی سال ۱۱۰۰ قی نوشته در حالی که این حادثه در سال ۹۰۴ قی اتفاق افتاده است.

به هنگام نوشتن اقسام میوه‌ها در نسخه اصلی آمده است: «به لنکران گرد بلند و درشت به هم رسد به وزن سیصد مثقال» کاتب نسخه باکو را چنین نوشته: «به لنکران گرد بلند و درشت به هم رسد به وزن سیصد مثقال». «با» را «با» و «حوزه» را «حوضه» نوشتن جزئی از اشتباهات قابل توجه کاتب جواهرنامه لنکران است.

خصوصیات سعید کاظم بیگ

۱. ایران دوستی: مؤلف عشق عمیقی به ایران دارد. این عشق تا بدانجاست که از دولت ایران به عنوان دولت اسلام یاد می‌کند^۲ و تمام پادشاهان ایران را می‌ستاید. از فتحعلی شاه با عناوین «رضوان جایگاه»^۳، «خاقان جنت مکان»^۴، «خسرو فردوس مقام»^۵،

۱. نک: حسین احمدی، پیشینه اعلام جغرافیایی قراباغ و شوشی در منابع فارسی، دانشنامه، شماره ۵۶، بهار ۸۴.

۲. ن.م، ص ۹.

۳. ن.م، ص ۱۱.

۴. ن.م، ص ۲۸.

۵. ن.م، ص ۸۳.

«خاقان مغفور صاحبقران»^۱ و از محمدشاه قاجار با عنوان «خاقان شرع‌پرور و مغفور میرور»^۲ و از ناصرالدین شاه قاجار با عنوان «غیاث‌الملک و الملت»^۳ یا «در این سال تحریر که یمن قدوم آن صاحب تاج و سریر به دارالمرز گذشت»^۴ به نیکی یاد می‌کند. سعید کاظم بیگ علاقه‌ای به نوشتن واقعیاتی که به تضعیف روحیه ایرانیان منجر شود^۵ همچون شکست ایران در جنگ با روسها در لنکران ندارد و از کنار این حوادث به صورت سطحی و گذرا عبور می‌کند. به عبارت بهتر حتی یک کلمه ضد ایرانی در نوشته‌هایش دیده نمی‌شود.

۲. گیلان دوستی: مؤلف تذکره سعیدیه به شدت به مؤلفین تاریخ جهان‌نما و عجائب‌المخلوقات که در مذمت گیلان و گیلانیان مطالبی نوشته بودند حمله می‌کند و مطالب آنها را غیر علمی و احساسی می‌داند سپس برای اثبات گفته‌هایش صفحاتی را به نامداران عرصه فرهنگ و هنر گیلان اختصاص می‌دهد.

۳. تالش دوستی: سعید کاظم بیگ همچون مؤلف اخبارنامه احترام عمیق خود را نسبت به خانواده میرعباس بیگ نشان می‌دهد و او را با بیست و هشت واسطه به امام سوم شیعیان حضرت حسین بن علی (ع) می‌رساند ولی در لابلای مباحث ضمن تعریف و تمجیدهایی از مخالفان میرمصطفی خان تالش همچون میرزا مهدی محمودآبادی تالش - که مخالف گرایش میرمصطفی خان به سمت روسیه بود - ضمن ابراز ناخشنودی خود از حرکت میرمصطفی خان نشان می‌دهد که تالش و تالشیان را تا جایی دوست دارد که در کنار ایران و ایرانیان باشد.

سعید کاظم بیگ تعلق خاطر سرزمینی را در صبغه مذهبی «حب الوطن من الایمان» جستجو می‌کند. در حالی که علاقه فراوان میرزا احمد میرزا خداوردی به خاندان میرمصطفی خان تالش مانعی برای نوشتن واقعیتهای می‌شود به عبارت بهتر مؤلف اخبارنامه به توجیه اقدامات خاندان میرحسن خان تالش می‌پردازد اما ارادت فراوان سعید کاظم بیگ به خاندان میرعباس بیگ هیچ‌گاه او را دچار لغزش نمی‌کند و از اهداف بلند و جهت‌گیری صحیح اصولی باز نمی‌دارد.

۴. مستند نوشتن: سعید کاظم بیگ ضمن مطالعه منابع فراوانی که در دسترس وی بود، همچون تاریخ نادری، صفوة‌الصفاء، تاریخ جهان‌نمای ترکی، احسن‌التواریخ، ناسخ‌التواریخ از افراد با

۱. ن.م.، ص ۸۵.

۲. ن.م.، ص ۸۹.

۳. ن.م.، ص ۲۹.

۴. ن.م.، ص ۱۱۳.

۵. ن.م.، ص ۲۹.

اطلاع و موثق که در زمان تألیف کتاب سنشنان نزدیک به صد سال بوده است نیز به تحقیق پرداخته تا جایی که برای اثبات مطلبی که از مباشر دیوان‌خانه لنگران نقل کرده در حاشیه صفحه ۹۸ برای صحت گفتارش از وی امضا گرفته است.

سعید کاظم‌بیگ کوشش کرده بیطرفانه، مستند و مستدل و به دور از سخنان واهی بنویسد و آن جایی که تخصص ندارد از پرداختن به مسائل به دلیل اینکه «بیرون از زی این مسود و افزون از فن بنده است» خودداری می‌کند. گستردگی منابع مورد مطالعه و اشراف بر موضوعات، وی را به نقادی منابع واداشته، مثلاً نوشته‌های ناسخ‌التواریخ را درباره فرستادن رسولی از جانب میرمصطفی خان تالش برای عذرخواهی از میرمصطفی خان شیروانی غیرواقعی خوانده است.^۱ سعید کاظم‌بیگ در عین جمله به بعضی از مؤلفین، از مطالب سودمند علمی همان مؤلفین به صورت گسترده استفاده کرده است.

سعید کاظم‌بیگ دارای اصول و جهت‌گیریهای مشخص علمی و در عین حال با نوشتن جملاتی نظیر «اگرچه عقول از قبول این قول ابا دارند» معتقد بر این است که بعضی از معنویات با علم قابل توجیه نیست ولی در عین حال عقل را ارکان تاریخ می‌داند. مؤلف تذکره سعیدیه سنوات سالها را بسیار دقیق‌تر از اخبارنامه نوشته است ولی گستردگی مطالب تاریخی اخبارنامه به مراتب قویتر از تذکره سعیدیه است.

۵. کتابت و انشاء: برخلاف میرزا احمد میرزا خداوردی که تسلطی بر دستور زبان فارسی نداشت^۲، نظر به آشنایی کامل به ادبیات فارسی سعید کاظم‌بیگ در نوشتن تذکره سعیدیه کمتر دچار لغزش ادبی شده است.

۶. جایگاه اخلاقی: مؤلف اخبارنامه به صراحت در نوشته‌هایش از عدم تعهد به بسیاری از مسائل اخلاقی خبر داده^۳ اما مؤلف تذکره سعیدیه دارای اعتقادات راسخ شیعی و به شدت متعهد به اصول اخلاقی است. سعید کاظم‌بیگ انسان خوش‌بین و به دلیل کثرت علم بسیار متواضع و صاحب تحلیل و در عین حال بسیار قاطع می‌باشد. او در هنگام یاد کردن از بزرگان علم و دانش با نهایت تکریم و با آوردن پسوند و پیشوند احترام‌آمیز همچون «فردوسی علیه‌الرحمه» از آنها یاد می‌کند.

۱. ن.م، ص ۱۲۵.

۲. میرزا احمد میرزا خداوردی، ص ۱۵.

۳. میرزا احمد میرزا خداوردی، ص ۱۵.

نکات قابل توجه:

- در حاشیه نسخه مجلس فردی با نوشتن دستوراتی به نسخه آسیب وارد کرده است.
- در حواشی نسخه اصلی مطالبی با جوهر آلبالونی با فاصله زمانی قابل توجه از زمان تألیف کتاب آمده است.
- سعید کاظم‌پیگ در بعضی از صفحات از کلمات روسی استفاده کرده است.
- مؤلف در حواشی نسخه با استفاده از فرهنگ جهانگیری و مجمع‌الفرس بعضی از لغت‌ها را معنی کرده است.

www.ketab.ir

گزارش اول

با توجه به تنشها در مرز ایران و روسیه در منطقه تالش، امتنای دولت ایران به نایب الحکومه اردبیل^۱ مأموریت دادند که جهت رفع مشکلات، ملاقاتی با فرمانده روسی لنکران داشته باشد.

وی در دوازدهم شوال ۱۲۵۰ق از اردبیل به سمت سرحدات تالش حرکت کرد و پس از عبور از نقاطی چون ایردی، پيله رود، رضی، برگ چای، گرمی و تپه در روستای شاطرلو در کنار رودخانه آدینه بازار منتظر ورود فرمانده لنکران شد.

همراهان وی در این سفر شامل میرکاظم خان فرزند میرحسن خان تالش حاکم آجارود - که به اصرار خودش به این سفر آمد - میرزا عبادالله وکیل، محمدخان ایل بیگی، میرزا رحیم وکیل و نورالله خان تالشی بودند. از آن طرف نیز فرزندان میرمصطفی خان شامل میرحسین خان، میرعباس بیگی میر اسماعیل بیگی و بعضی از امرای روسی حضور داشتند که بعد از سهالها فرصتی برای تجدید دیدار میرکاظم خان با عموها و خویشاوندانش فراهم شد.

پس از دید و بازدیدهای اولیه در دو طرف رودخانه مرزی آدینه بازار، در سوم ذیقعده ۱۲۵۰ در حضور امرا و بزرگان ایرانی و روسی در آن طرف رودخانه درباره سرقت و ناامنی، در دو سوی مرز، چگونگی مهاجرت ایلات، فراریان، برقرای نظم و انضباط، رفع سوءتفاهمات ایجاد شده، بهره برداری از آب و جنگل و بعضی مسائل دیگر مذاکره شد. این هیئت از بیست و پنج روز از زمان حرکت در هفتم ذیقعده ۱۲۵۰ وارد اردبیل شد.

این گزارش بیست و چهار صفحه ای با صفحه شمار در کاغذ کاهی معمولی به رنگ مغز پسته ای با جوهر مشکی نوشته شده و با مشخصه ۸ تا ۱-۱۱-۲-۱۲۵۰ق در مرکز اسناد وزارت خارجه ایران موجود می باشد. این گزارش از صفحه بیست و چهار تا صفحه سی بدون نوشتن مطلبی کاملاً خالی و سفید است.

۱. این فرد احتمالاً باید علی عسگر یا فتحعلی خان نوری باشد.

گزارش دوم

میرزا احمدخان تالش ناظم سرحدات تالش با دریافت دستوری از ناصرالدین شاه قاجار به بررسی و ارسال گزارش درباره معایب سرحدات ایران در تالش مأمور شد. میرزا احمدخان پس از بررسی دقیق در گزارشی که در سوم شوال المکرم ۱۲۷۷ در قریه آزادلو آجارود نوشت ضمن تأیید تصرف چندین منطقه از سرحدات ایران توسط روسها دلایل این امر را چنین می‌نویسد:

- نامشخص بودن مرزها برای ایرانیان و سوءاستفاده روسها از این مسأله.
- غفلت و فریفته شدن مباحثین سرحدی توسط روسها.
- تطمیع و مواعید مخالفین به وسیله روسها.
- فشار خوانین طرفدار روسیه به ویژه عبدالحسین خان پریم‌بلو.
- آسیب‌پذیری سرحدات در اثر تعویض پی در پی حکام منطقه از سوی دولت ایران.

این گزارش قبل از مأموریت میرزا رضای مهندس‌باشی تهیه و برای مطالعه ناصرالدین شاه به تهران ارسال شده است.

این گزارش بدون صفحه شمار در کاغذ کاهی آبی در ده صفحه با جوهر مشکی نوشته شده است. در صفحه ماقبل اول گزارش، دو حاشیه با دو قلم متفاوت وجود دارد: حاشیه اول که با فاصله زمانی اندکی از نوشتن گزارش این طور نوشته شده است: «تا فردا لطف خواهید فرمود که بنده اینجا هستم»

حاشیه دوم ظاهراً یکی از مسئولان اواخر دوره قاجار پس از مطالعه آن چنین دستور داده است: «آقای فهیم، سواد برداشته به آقای منشورالممالک داده شود. سواد هم در دوسیه مربوطه گذارده عین راپورت را به آقای میرزا حسین خان ادیب ابلاغ نمایند. ۱۶/۷/۱۳۰۲ [۱]»

سواد این گزارش با کاغذ کاهی معمولی به رنگ کرم بدون صفحه شمار در یازده صفحه آمده و صفحات دوازده تا چهارده بدون نوشتن مطلبی خالی است.

اصل این گزارش با مشخصه ۲۲ تا ۱۹-۱۰-۹۱۲۷۷ق و سواد آن با مشخصه ۵ تا ۲-۱۰-۹۱۲۷۷ در مرکز اسناد وزارت خارجه ایران ضبط است.